

مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

اره «من» اعلیحضرت

برخی واقعات حاکی از آنست که در ماههای پیم جهات ارتجاعی سیاست داخلی خود را بازمه شدید کرده است. از آن قبیل است: نقلی است که در دانشگاه «پدافند ملی» در باره تشدید اظهارات شاه در هشتمین کنفرانس ارزشیابی آموزشی رامسر در باره نقش و مسئولیت خود او و دولت و سرانجام «اصلاح» در قانون داد کنفرانس که موافق آن اقدام علیه امنیت در داخل و خارج از ایران با حبس دائم واعدام میشود.

رژیم مذهبست باین روال عمل میکند و هیچ از اینها مایهتا تازگی ندارد. آنچه که تازه مانست که در کنفرانس آموزشی رامسر آنرا صراحت نام نهاده اند. شاه که چندی پیش اساسی را رسماً مورد انتقاد قرار داده و آنرا قانونهای اساسی کشور های دیگر را مذهب و مهم و انده است در کنفرانس آموزشی رامسر صریحاً در باره مسئله عدم مسئولیت شاه و مسوولت در مقابل مجلس که محور مرکزی قانون است و بر سر آن اینهمه خون نثار شده بیان در نقاط مختلف اظهارات خود نکات زیرین را کرده است:

«قسمت دیگری که کاملاً باید برای همه مفهوم است که تمام تشکیلات سیاسی مملکت و مملکت در شکم حزب است نه خارج از... ما وقت نداریم که تلف بکنیم: سلیقه نبی و شخصی نمیتواند باشد. یک سیاست عمومی که بوسیله دولت اجرا میشود. بوسیله حزب میشود و گزارشات رسیده هم البته باطلاع من رسید. گزارش حزب را یا دبیر کل (که حالا وزیر هم هست) باطلاع من میرساند. یلبصورت که مربوط به جریانهای سیاسی و گزارشات حزبی باطلاع ما خواهد رسید... نتیجه اینکه آنچه بیا دولت (س) گرفته میشود نهائی نیست»

بنیال اعتصابات مهمی که در ماههای اخیر در مراکز کارگری ایران مانند تهران، اراک، شاهی روی داده، اعتصابی نیز در بهشهر، یکی دیگر از مراکز کارگری، صورت گرفته که در جنبش اعتصابی اخیر حائز اهمیت است.

اعتصاب نخست در کارخانه چیت سازی بهشهر روی داده است. کارخانه چیت سازی قبلاً متعلق به دولت بوده و در جریان اصلاحات ارضی به یکی از

آن دولت است که در مقابل من مسئول است و نتیجه نهائی تمام رسیدگی ها را باید دولت باطلاع من برساند.

این اظهارات را روزنامه اطلاعات هوایی در شماره ۱۶ شهریور ماه تحت عنوان بی رودریستی شاهنشاه: دولت در برابر من مسئول است، باحرشترین حروف چاپ کرده است و تصور میکنیم «موتاب» اعلیحضرت را خوب و موفقیت آمیز خلاصه کرده باشد.

اظهارات یاد شده، در حکم صریح و دقیق کردن انتقادات قبلی شاه از قانون اساسی است. در آنجا وی گفته بود که نقش قوه مجریه در قانون اساسی مهم است. حالا ایشان این «ایهام» را با تصریح مسئولیت عالی و بی پرو برگرد خود در کل امور دولتی و «حزبی» رفع میکند. احتیاجی هم باین «رفع ایهام» نبود، نگفته مذهبست بیداست و بهمین روال با شدت تمام عمل شده است.

ولی اینکه شاه جهات ارتجاعی سیاست داخلی خود را تشدید میکند و دست به «صراحتهای» و «بیخانه میزند» حاکی از چیست؟ مسلماً حاکی از وضع مسا عدی برای او نیست، بلکه واکنشهای عصبانی کسی است که از هم اکنون انفراد سیاست کنونی خود را در طول مدت احسان میکند. سیاست داخلی و خارجی رژیم بیش از پیش هرگونه پایه واقع بینانه ایرا حتی در چارچوب یک سیاست پروژوئی از دست میدهد و جنبه ماجراجویانه و واکنشهای ابلهانه بخود میگردد. مسلماً چنین «سیاستی» از جهت تاریخی تنها میتواند شکست بیانجامد.

جالب است که در چنین کشوری که شاه آن مانند عهد فرانسه من، خود را در پایگاه الوهیت قرار میدهد و غلط بودن قانون اساسی را بصراحت اعلام میکند، یکی از مواد سه گانه حزب شهنشاه «سراسر کشوری» و «سیاستی» قبول قانون اساسی است و بعنوان قیام و اقدام علیه سلطنت مشروطه (۱) کسانی را که حتی در خارج از کشور بخواهند تابع اراده اعلیحضرت نشوند به اعدام محکوم میکنند! اعلیحضرت از همه طرف طلبکار است. ۱- سپهر

قرارداد مصر و اسرائیل جنایت به خلقهای عرب است

حرکت نیروها و وضع منطقه را کنترل کنند. بدین ترتیب امریکا مستقماً بوسیله کارشناسان خود یعنی مأموران سیا و دستگاههای مدرن الکترونیکی کنترل خود را به تنها در خط آتش بس، بلکه در شعاع بسیار وسیعی که تمام منطقه خاور نزدیک را دربر میگیرد، برقرار میکند. این موافقتنامه به بزقراری ضلحی پایدار و عادلانه در خاور نزدیک کمک نمیکند؛ بلکه یک عنصر تازه خطرناک یعنی «کارشناسان» امریکایی و دستگاههای مدرن جاسوسی امریکار بعنوان «مراقبت» بوضع پیچیده و پرتوج این منطقه می افزاید.

برای اینکه معلوم شود تا چه اندازه این موافقتنامه بزبان خلقهای عرب از جمله مصر و یسود اسرائیل و امپریالیسم امریکاست؛ کافی است بواکتبی که محافل گوناگون اجتماعی پس از انتشار آن نشان داده اند، اشاره کنیم: عراق، سوریه، سازمان آزادی فلسطین، لیبی، مراکش و الجزیره و بطور کلی خلق های عرب همه بدان اعتراض کرده و اقدام انورالسادات را اقدامی بزبان خلقهای عرب دانسته اند. از سوی دیگر کشورهای امپریالیستی از جمله تمام کشورهای ناتو آنرا مورد ستایش قرار داده و تأیید کرده اند. وزارت خارجه ایران نیز به پیروی از سیاست امپریالیسم امریکا این موافقتنامه را با خوشروئی تلقی کرده و آن را «قدم دیگری در راه رسیدن بصلح پایدار در خاور میانه» دانسته است. یک بررسی ساده از مواد موافقتنامه بخوبی نشان میدهد که این معامله تا چه حد بسود اسرائیل و امپریالیسم امریکا و بزبان همه خلقهای عرب

روز اول سپتامبر مصر و اسرائیل با میانجیگری سم امریکا پیش نویس موافقتنامه ای را در پایتخت جوم، جدا سازی نیروها در شبه جزیره سینا بردند. بوجوب این موافقتنامه اسرائیل بخش بوشالی را در سال ۱۹۶۷ را در شبه جزیره سینا بکشد. در مقابل مصر تعهد میکند که از تشویق تشدید برای باز پس گرفتن زمینهای از دست رفته خود جاری کند؛ درباری سرخ را بروی کشتی اسرائیل نیند و به کالا های غیر نظامی اسرائیل

آزاد ۸۷ درصد از زمینهای اشغالی در اختیار باقی خواهد ماند و مصر فقط ۵ درصد از صید از سینا را زیر کنترل خود خواهد داشت. در دذکری از ارتفاعات جولان و حقوق خلق عرب، بمیان تمایز است. بطوریکه معلوم است این موافقتنامه نتیجه کوشش کیسینجر وزیر امریکاست که هدف آن تثبیت موقعیت در مهمترین جبهه یعنی مصر، ایجاد تفرقه بین های عربی، پایمال کردن حقوق مردم عرب و کشاندن هر چه بیشتر مصر به دایره نفوذ اقتصادی امریکا و سرانجام دخالت مستقیم سم امریکا در این منطقه بعنوان حق دلالی است. ماده ۴ قرار داد یک «سیستم هشدار بموقع» جهانی نیروها بوجود میآید. این «سیستم» ثبات آن در پروتکل ضمیمه قرار داد تعیین امریکا و گذار میشود. امریکا ۱۳ دستگاه مراقبت بیکی در گذشته های «میتلا» و «جندی» دائر و ۲۰۰ نفر کارشناس بدانتجا اعزام میبازد که

جنبش اعتصابی در ایران گسترش مییابد

درد یرشور به طبقه کارگر مبارز ایران شاهپور ها و خسرو شاهی فروخته شده است. کارخانه چیت سازی بهسوانت بشعوانه اصلاحات ارضی مبلغ صد میلیون تومان قیمت گذاری شده بود. ولی صاحبان کنونی کارخانه آنرا مبلغ ۱۴ میلیون تومان خریده اند. بعداً کارخانه مورد ارزیابی دقیق قرار گرفته و به مبلغ بیش از ۲۰۰ میلیون تومان قیمت گذاری شده است. کارخانه چیت سازی ۱۳۰۰ کارگر مرد و زن و کودک دارد. صرف نظر از وضع بد مادی کارگران تحت کنترل شدید هستند؛ بطوریکه در محظ کار حتی حق صحبت ندارند. یک سرهنگ بازنشسته که مأمور انتظامات کارخانه است، کارگران را مرتب تهدید

سیاست خارجی یکن در خدمت امپریالیسم و ارتجاع جهانی

دروانی که مائوئیسم با تقاب مدافع اصول دواقی، مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروژوئی با احزاب کمونیست و کارگری کشورهای اروپا و سوسیالیستی به مخالفت بر میخواست؛ مذهبست به پایان رسیده و مائوئیسم بی تقاب و عریان مانند متفق سیاه ترین نیرو های امپریالیسم و ارتجاع جهانی یا بیدان گذارده است.

در تمام مناطق جهان و مسائل بین المللی که مرز بندی بین نیرو های مترقی و آزادبخواه و سوسیالیسم با نیروهای ارتجاعی، نفو فاشیسم و امپریالیسم مشخص و روشن میشود، مائوئیسم و پروژوئی اندیشه های مانو در مقابل نیروهای مترقی و در کنار نیروهای امپریالیسم و ارتجاع قرار گرفته اند.

زمانیکه جنبش رهائی بخش ملی در بنگلادش بمبارزه مسلحانه علیه سلطه دیکتاتوری نظامی پاکستان و در راه آزادی بنگلادش بر خاست بکن، مائوئیستها به مخالفت با جنبش استقلال طلبانه مردم بنگلادش بر خاستند و به اتفاق امپریالیسم و ارتجاع جهانی از دیکتاتوری نظامی یحیی خان همه گونه پشتیبانی نمودند و تشکیل بنگلادش را تجزیه طلبی خواندند ولی پس از کودتای ارتجاعی در این کشور علیه حکومت مجیب الرحمن با کودتایچین وارد توطئه شدند و بلا فاصله حکومت کودتا را برسمیت شناختند. معلوم شد اشکال در «تجزیه» بنگلادش از پاکستان نبود؛ بلکه اشکال در حکومتی بود که امپریالیسم نسبت به آن نظر مسامحه نداشت.

در شبلی در دوران دولت وحدت ملی رئیس جمهور آئینده گرایش یکن در جهت تضعیف دولت قانونی آئینده بود و پس از کودتای فاشیستی در این کشور بلا فاصله عذر سفیر دولت قانونی آئینده از یکن خواسته شد و دولت فاشیستی پیونوشه برسمیت شناخته شد و اخیراً هفت نمایندگی این دولت با سلام و صلوات فراوان در یکن مورد پذیرائی قرار گرفت. در حالیکه تمام محافل اجتماعی مترقی جهان دولت پیونوشه را محکوم میکنند و علیه شوه های فاشیستی این دولت و به پشتیبانی از زندانیان سیاسی و طرفداران دولت آئینده به تظاهرات و اعتراض دست میزنند؛ و رهبران یکن بر روابط اقتصادی و سیاسی خود با این دولت فاشیستی روز بروز نزدیکتر میکنند.

مذهبست یکن نسبت به یمیان ناتو و بازار مشترک توجه خاصی معطوف میدارد؛ مشکلائی که در اثر وقایع یرتقال برای این یمیان نظامی تجاوز کار پدید آمده لیدرهای یکن را نگران میسازد. اظهار نظره های رهبران یمیان ناتو در مورد یرتقال از طرف ارگانه های تبلیغاتی چین بازگوشود. تفسیر خبرگزاری «مسخوا» منتشره درهم سپتامبر در این مورد بسیار جالب توجه است. در این تفسیر اظهار نظر های رهبران یمیان

دنباله در صفحه ۲

میکند که در صورت تقاب آنها را به سازمان امنیت تحویل خواهد داد. جریان اعتصاب بقرارزیر بوده است؛ چند نفر از کارگران نود رئیس کارخانه میروند و خواستههای خود را بیان میدارند؛ ولی با خشونت و تهدید رئیس کارخانه و سرهنگ روبرو میشوند. کارگران بلا فاصله بهر خود را با رئیس کارخانه و سرهنگ با سایر کارگران در میان میکنند. در نتیجه همه کارگران دست از کار میکشند و نمیکارند که رئیس و سرهنگ از اطاق خود خارج شوند. پس از اطلاع از اعتصاب کارگران، رئیس اداره کار معمول فرمانداری بکارخانه میآیند. رئیس اداره کار طبق معمول وعده و وعید میدهد. ولی کارگران میگویند که «تو از آنها هستی نه از ما» و او و معاون فرماندار را هم در اطاق نگه میدارند. کارگران سپس ۷ بعد از ظهر سوت کارخانه را؛ که بیوقع بوده، بصدا در میآورند. در نتیجه مردم شهر ودانش آموزان به حمایت کارگران جلوی کارخانه میآیند. پس از این جریان، معاون استاندار ساواک ساری به کارخانه میآیند. آنها هم قول های زیادی به کارگران میدهند. ولی کارگران میگویند که این کارخانه ماست و ربطی به ساواک ندارد و معاون ساواک را از کارخانه بیرون میکنند. معاون استاندار را هم نزد دیگران نگه میدارند. کارگران میگویند باید مدیر عامل کارخانه بیاید و خواستههای ما را بپذیرد تا ما مشغول کار شویم. مدیر عامل در تهران بوده و قصد رفتن به ژاپن را داشته؛ ولی بر اثر پادشاهی کارگران مجبور میشود به بهشهر بیاید. پس از حضور او کارگران میگویند شما قول

توطئه ضد آزادی در بحرین

توطئه های گوناگون محافل حاکمه ارتجاعی بحرین، با پشتیبانی امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی رژیم شاه و دولت عربستان سعودی، برای سرکوب جنبش آزادیبخش مردم بحرین سرانجام در ۴ شهریور ۱۳۵۴ (۲۶ اوت ۱۹۷۵) با یک شبیه کودتا که به انحلال پارلمان بحرین و برداشت بیست و یکمین پسران بحرینی منجر گردید؛ باوج خود رسید. علت این توطئه های ضد آزادی و سرانجام شبه کودتای اخیر را از یکسو در موفقیت حساس بحرین از نظر نظامی و در نتیجه اهمیت خاص آن برای امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی، رژیم شاه و دولت عربستان سعودی و از سوی دیگر در گسترش جنبش آزادیبخش مردم بحرین که در مرکز آن یک جنبش قوی کارگری وجود دارد باید جستجو کرد.

امپریالیستهای امریکائی که در بحرین پایگاه نظامی دارند، با تمام قوا میکوشند که این پایگاه را حفظ کنند تا هم بتوانند مواضع استراتژیک خود را در منطقه حفظ و تحکیم کنند و هم در صورت لزوم از این پایگاه برای دفاع از منافع نفتی و سرکوب جنبشهای ضد امپریالیستی در منطقه استفاده کنند. امپریالیستهای انگلیسی و محافل حاکمه ارتجاعی بحرین، رژیم شاه و دولت عربستان سعودی از این سیاست امپریالیستهای امریکائی کاملاً پشتیبانی میکنند و در تحقق آن شرکت فعال دارند. جنبش آزادیبخش مردم بحرین که هم برای قطع نفوذ امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و رژیمهای ارتجاعی خارجی در بحرین، مانند رژیم شاه و دولت عربستان سعودی؛ و هم برای ازین بردن تسلط محافل حاکمه ارتجاعی بحرین و استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک مبارزه میکند، بزرگترین مانع در راه نیل به این هدف شوم است. گذشته از این قدرت و نفوذ و پیروزی جنبش آزادیبخش مردم بحرین میتواند منبع نیرو بزرگ برای سایر کشورهای عربی خلیج باشد. لذا از اینجهت هم امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی، محافل حاکمه ارتجاعی بحرین، رژیم شاه و دولت عربستان سعودی در سرکوب جنبش آزادیبخش مردم بحرین منافع مشترک دارند.

دنباله در صفحه ۲

جنبش آزادیبخش مردم بحرین، که در مرکز آن جنبش کارگران بحرین و فر پیشاپیش آن، جبهه ملی برای آزادی بحرین، قرار دارد، نقش مهمی در استقلال بحرین ایفا کرد؛ این جنبش و پیشاهنگبان با وجود فشار محافل امپریالیستی و محافل ارتجاعی داخلی و خارجی، چه قبل و چه بعد از استقلال بحرین، مبارزه

سیاست خارجی یکن

نظامی تجاوز کار ناتو در مورد حوادث پرتقال تقریباً کلمه به کلمه تکرار شده و طبق معمول مائوئیستها چاشنی ضد شوروی نیز بان زده شده است. در این تفسیر از جمله در این باره سخت ابراز نگرانی شده است که باحوادث پرتقال در جبهه جنوب غربی منطقه اروپائی ناتو شکافی ایجاد گردیده، در همین تفسیر ادعا شده است که مرز بندی بین نیروهای سیاسی پرتقال واقعیتی عینی نبوده و گویا محصول خیال پردازیهای مطبوعات شوروی است که با تقسیم بندی نيزوها به چپ و راست میان اهالی پرتقال تفرقه ایجاد میکنند (روزنامه پرواودا ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۵). مائوئیستها در پرتقال آشکارا با نیرو های ضد انقلاب در یک جبهه قرار گرفته اند و بر علیه کمونیستهای پرتقال به تحریک و توطئه میپردازند. گروههای مائوئیستی پرتقال که با یکن ارتباط نزدیک دارند (اخیراً رهبران یکه ای ازین گروهها برای گرفتن دستور عمل به جمهوری توده ای چین رفته بودند) در دورش های وحشیانه به اماکن حزب کمونیست و سایر سازمان های مترقی و دمکراتیک پرتقال شرکت فعال میوزند. بطوریکه خبرگزاری «اسوشیئد پرس» گواهی میدهد این حملات با فریادهای مرگ بر کمونیستها همراه است! روزنامه اومانیتیه ارگانت حزب کمونیست فرانسه ضمن ارزیابی خط مشی یکن مینویسد: «این بار هم آنتی سوسیالیسم یکن را به جبهه امپریالیسم ملحق میکنند.» روزنامه «نویس دویچلاند» (۱۶ سپتامبر ۱۹۷۵) از قول خبرنگاری تاس مینویسد: «لی لیان بی سفیر جمهوری توده ای چین در بلژیک دو شنبه ۱۵ سپتامبر در مرکز بازار مشترک در بروکسل با رئیس شورای وزیران کشورهای بازار مشترک ماریو رومو وزیر امور خارجه اینالیا ملاقات نمود و اختیار نامه خود را تقدیم کرد. پذیرش اعتبار نامه نماینده یکن در بازار مشترک در بلژیک بمقلبه ادامه سیاست یکن در جهت استحکام روابط خود با بازار مشترک اروپائی شده است. در بروکسل گفته میشود این اقدام چین علاوه بر مقاصد اقتصادی هدفهای سیاسی نیز در بر دارد.»

رهبران یکن مدتهاست که در راه برقراری روابط با بازار مشترک تلاش میکنند. ارگانهای تبلیغاتی چین بدفعات خاطر نشان کرده اند که رهبری چین نه تنها به هم پیوندی اقتصادی بلکه همچنین به هم پیوندی سیاسی و نظامی با بازار مشترک علاقمند است. خبرنگاری تاس خاطر نشان میکند یکن که مدتهاست از بازار مشترک و پیمان ناتو جنگ داری میکند قصد دارد با کشور های بازار مشترک و پیمان نظامی تجاوز کار ناتو روابط سیاسی نزدیکی برقرار سازد. فرانس یوزف اشتراوس یکی از سرمداران شناخته شده ارتجاعی آلمان غربی که اخیراً برای بار دوم به یکن دعوت شده بود، در این شهر این بار از او یک پذیرائی تمام معنی «شاهانه» بعمل آمد. اشتراوس پس از بازگشت از یکن به خبرنگاران گفت که رهبری چین طرفدار یک اروپای غربی متحد دارای نیروی امنیتی مستقل است، و از این نقطه نظر مابین نظریات این رهبران با خود اشتراوس کفترین تفاوتی نیست.

سیاست خارجی یکن از جعل و تحریف آن واقیعت تاریخی نیز که زمانی مورد اعتراف خود مانو تسه دون و دیگر رهبران چین بوده رهیز نمیکند. چندی پیش روزنامه ژن مین ژینائو بمناسبت سی سالگی پیروزی ارتش شوروی بر میلیتاریسم ژاپن مقاله ای تحت عنوان «سی سالگی پیروزی در جنگ مقاومت علیه اشغالگران ژاپنی» منتشر ساخت. در این مقاله واقیعت تاریخی بطوری ناهنجار تحریف شده است. ژن مین ژینائو تلاش دارد مغلوبیت نیروهای اشغالگر ژاپن در خاک چین و حتی شکست میلیتاریسم ژاپن را بطور کلی نتیجه بکار بستن سیاست کدائی مائو مینی بر «تاکتیک برتری خود» از طرف مردم چین و دیگر خلقهای آسیا وانمود کند.

اما واقیعت تاریخی: نهم اوت ۱۹۴۵ نخست وزیر ژاپن سوزکی به اعضای شورای عالی جنگ اعلام داشت «ورود اتحاد شوروی در جنگ علیه ژاپن که امروز آغاز شده ما را در وضع لاعلاجی قرار میدهد و ادامه جنگ را برای ما غیر ممکن میسازد.» پس از ورود واحد های ارتش شوروی در جنگ علیه میلیتاریسم ژاپن از نهم تا بیستم اوت ارتش ژاپن یک میلیون نفری گوان توم بر نیروی ضربتی میلیتاریسم ژاپن در زیر ضربات واحد های ارتش شوروی ۷۰۰ هزار نفر کشته و زخمی و اسیر داد.

جنبش اعتصابی در ایران

های زیادی داده اند ولی به آن عمل نکرده اند. بنا بر این باید نماینده دانشانست معاون استاندار و مدیر عامل کارخانه خواستهای ما را قبول و زیر آنرا امضاء کنند تا ما به کار برگردیم. بعد از ۳۲ ساعت خواست های کارگران قبول میشود همه امضاء میکنند و بدینسان اعتصاب با موفقیت پایان می یابد. کارگران هنگام ختم اعتصاب تا کید میکنند که اگر خواستهای آنها عملی نشود باز هم اعتصاب خواهند کرد.

پس از اعتصاب کارخانه چیت سازی، کارگران کارخانه پیمان، کارخانه دیگری که در شهر وجود دارد و متعلق به لاجوردی است نیز اعتصاب کردند و موفق شدند. ما امید داریم بعداً اطلاعات دقیق تری در باره این اعتصاب نیز در اختیار خوانندگان گرامی بگذاریم.

جنبش اعتصابی اخیر، کمبیش از پیش گسترش مییابد، واقیعت چندی را تا کید میکند: نخست آنکه نه ترور پلیسی ساواک، توانسته است کارگران را به سکوت وا دارد و نه وعده های تو خالی شاه توانسته است کارگران را بقربید. کارگران علیرغم ترور پلیسی و عوامفریبی نه فقط برای نيل به خواستهای خود مبارزه میکنند، بلکه این مبارزه را با آگاهی بیشتر، با تشکیل بیشتر، باجسارت بیشتر تشدید کرده اند و موفق هم شده اند. دیگر اینکه نظریه گروههای چپ نما که کارگران را به فقدان تحریک، مهم میسازند و در همان حال میخواهند روش ماجراجویانه خود را به کارگران تحمیل کنند، بی پایه بودن خود را بیش از پیش بیثروت رسانده و با شکست قطعی روبرو شده است. طبقه کارگر ایران بر مشکلات عینی و ذهنی که در راه مبارزه وجود دارد، بتدریج غلبه میکند و استوار و پیگیر راه اصولی و صحیح خود را برای نيل به خواستهای صنفی و سیاسی خود مینماید.

و سرانجام اینکه توده های غیر پرولتری بیش از پیش به حمایت جنبش کارگری بر میخیزند و در راه تحکیم پیوند خود با این جنبش میگرشند.

همه اینها نشانه های امید بخشی است که به مردم میهن ما تزئینکار برضد رژیم دیکتاتوری شاهینرو میدهد. طبقه کارگر ایران نشان میدهد که مانند همیشه پرچمدار این یکتا آزادبخش است. درود پر شور ما به طبقه کارگر مبارز ایران!

م. اوشه

حملات موفقیت آمیز مبارزان ظفار

چنانکه خبرگزاری شوروی روز ۲۱ سپتامبر از عدن اطلاع میدهد میهن پرستان جبهه خلقی رهائی عمان، در ماه سپتامبر بر فعالیت جنگی خود علیه سلطان قابوس و ارتش مزدور (ایرانی و اردنی) بطور مخصوصی افزودند، که در نتیجه آنها دشمن از لحاظ نفقات و مهمات تلفات زیادی داد.

نماینده تراست قبلیس مینویسد: فقط ببینید چه علاقه ای اطرطرف ایران و اسپانیا برای خرید تانکهای «لئوپارد» ابراز شده است. ایران در حقیقت بویژه برای بدست آوردن تانکهای آلمان فدرال از آنجهدت اسرار میوزد تا آنها را در مرزهای خود با اتحاد شوروی مستقر کند.

لیست خریداران بالقوه ویا آنهایکه منتظر تغییر سیاست دولت آلمان فدرال هستند بسیار دراز است و در میان آنها همانگونه که روزنامه «دی ولت» اطلاع میدهد، ایران، اسپانیا و برزیل «سوکلی های» بن میناشند.

اومانیتیه ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۵

توطئه ضد آزادی در بحرین

خود را برای تحکیم استقلال بحرین و قطع نفوذ امپریالیستها، برای استقرار دمکراسی و عدالت اجتماعی گسترش داد و تشدید کرد. گسترش جنبش بویژه جنبش اعتصابی کارگران و مبارزه فعال نیرو های ملی و دمکراتیک و در پیشانی آنها «جبهه ملی برای آزادی بحرین» موجب شد که مردم بحرین بویژه در سالهای اخیر به موفقیت های قابل ملاحظه ای نائل آیند. در انتخابات پارلمانی در ۱۶ آذر ۱۳۵۲ (۷ دسامبر ۱۹۷۳)، مردم بحرین موفق شدند، علیرغم قانون غیر دمکراتیک انتخابات، ۸ نفر از عناصر مترقی را به پارلمان ۴۴ نفری بحرین بفرستند. در اواخر قشار جنبش در خارج از پارلمان و اقدامات نمایندگان مترقی در داخل پارلمان، در آغاز سال ۱۹۷۴ تمام زندانیان سیاسی آزاد شدند و تبعیدیها به میهن خود بازگشتند. علیرغم امتناع دولت از برسمیت شناختن اتحادیه ها، تعداد زیادی اتحادیه های کارگری و صنفی تشکیل شد. برای نخستین بار کارگران اول ماه مه ۱۹۷۴ را رسماً علناً جشن گرفتند. در ۲۴ تیر ۱۳۵۳ (۱۵ ژوئن ۱۹۷۴)، که دولت بحرین موافقتنامه خود را با امریکائیها در باره پایگاه های نظامی امریکا در بحرین تجدید کرد، چنان تظاهرات عظیمی از طرف مردم بویژه کارگران، روی داد که دولت مجبور شد ظاهراً اعلام کید کنه موافقتنامه لغو شده است. همه اینها نمیتوانست نگرانی محافل امپریالیستی و محافل ارتجاعی داخلی و خارجی را موجب ننگردد. برای رفع خطر، دولت بحرین با دخالت و پشتیبانی مستقیم امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و رژیم شاه و دولت عربستان سعودی وارد عمل شد. نخست پلیس بیهانه کشف «توطئه کمونیستی» به مبارزه «جبهه ملی برای آزادی بحرین» به هجوم برد و عده زیادی از آنها را دستگیر کرد. همزمان با این هجوم دولت قانون ضد دمکراتیک «قانون امنیت» را علیرغم اعتراض و مخالفت شدید نمایندگان مترقی بصوتیاب پارلمان رساند. این اقدامات ضد دمکراتیک دولت بحرین موج عظیمی از اعتراض مردم بحرین را برانگیخت. جنبش اعتراضی چنان شدید بود که حتی نمایندگان که به «قانون امنیت» رأی موافق داده بودند، موافقت خود را پس گرفتند، بطوریکه پارلمان بحرین یکجا با «قانون امنیت» مخالفت برخاست. بدین ترتیب برده که دولت بحرین در اول شهریور ۱۳۵۴ (۲۴ اوت ۱۹۷۵) هجوم جدیدی به میهن پرستان بحرین و بویژه مبارزان «جبهه ملی برای آزادی بحرین» برد عده زیادی را دستگیر کرد و در شهریور ۱۳۵۴ (۲۶ اوت ۱۹۷۵) هم پارلمان را منحل کرد و بدینسان با این شبه کودتا «قانون امنیت» ضد دمکراتیک را علیرغم مخالفت مردم و پارلمان به مرحله اجرا درآورد.

چنانکه ملاحظه میشود توطئه ضد آزادی در بحرین حلقه ای است از توطئه محافل امپریالیستی و محافل ارتجاعی داخلی و خارجی برضد استقلال و آزادی خلقهای منطقه. مردم ایران هم به دلیل پیوند دوستی و برادری که با مردم بحرین دارند، هم به دلیل سرنوشت مشترکی که خلقهای ایران و بحرین را در مبارزه بر ضد امپریالیسم و ارتجاع و برای استقلال و دمکراسی و ترقی بهم پیوند میدهد و هم به علت شرکت فعال رژیم شاه در این توطئه های ضد خلقی و ضد آزادی، نمیتوانند نسبت به آنچه که در بحرین میگذرد بی تفاوت باشند و نیستند. مردم ایران به توطئه ضد آزادی در بحرین و قبل از همه به شرکت رژیم شاه در این توطئه و همبستگی عمیق خود را با مردم بحرین، جنبش آزادیبخش بحرین و جبهه ملی برای آزادی بحرین اعلام میازارند. تردیدی نیست که مردم بحرین ضد مانند خلقهای منطقه، علیرغم این توطئه های ضد خلقی و ضد آزادی، مبارزه خود را بر ضد امپریالیسم و ارتجاع تشدید خواهند کرد و استقلال و آزادی واقعی خود را بدست خواهند آورد.

م. نوری

با این آدرس با رادیو نیک ایران، با روزنامه مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید! P. B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden

سوسیالیسم و دشمنی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در یک جبهه عمل میکنند. تصادمات جنگی در خاور نزدیک گشاده شود.

قرارداد مصر و اسرائیل

از جمله مصر تمام شده است: مصر دیگر قادر بود که با زور و یا تهدید اسرائیل را به تخلیه درصد از زمین های از دست رفته خود وادار اسرائیل از راههای آبی دریای سرخ کانال سوئز خواهد کرد، اسرائیل تمام نیرو های خود را سوریه متمرکز کرده و با استفاده از ۳ میلیا اعتبار نظامی جدید امریکا بمنزله ترین سلاحها خواهد گردید و سوریه را زیر فشار قرار خواهد سازمان آزادی عرب فلسطین از یکی از تکیه گاه اساسی خود یعنی مصر محروم خواهد گردید. هم اکنون مقامات مصری رادپوی این سازمانز قاهره بزور بسته اند و اعضای این سازمان را زیر قرار داده اند. اسرائیل با شدت بیشتری به مرده فلسطین در لبنان برای نابودی آنها از هوا و زمین و تحریک هر چه بیشتر فاشیستهای لبنانی عزت از پای نخواهند نشست و برای مقابله با تازه امپریالیسم امریکا و اقدامات خائنانه انورال که استقلال مصر را با بند و بست با امپریالیسم بخطر انداخته مبارزه خواهند کرد و از پشتیبانی صلح و سوسیالیسم برای وادار کردن اسرائیل، کلیه زمینهای اشغالی و تأمین حقوق مردم عرب فله طبق قطعنامه های شورای امنیت (شماره ۲۳۸ و سازمان ملل متحد، برخوردار خواهند گردید. اتحاد جماهیر شوروی و اظهارات مقامات عالیه از کشور بدرستی زبان این سیاست گام بگام، و منجر بامضای موافقت نامه «مرحله دوم» شده یا گردیده و متذکر شده اند که دخالت مستقیم، در این منطقه نه تنها به صلح پایدار و عادلانه در نزدیک کمک نمیکند، بلکه حل مسائل بقرنج که صلح جهانی را تهدید میکند، پیچیده تر خواهد کرد. اینک دیگر جای تردیدی نیست، پس از مرگ عبدالناصر حکومت انورالسادات همکاری با امپریالیسم امریکا را در پیش گرفته و توجه بمنافع خلقهای عرب، سرنوشت مردم مصر بازچه مطامع امپریالیسم و بورژوازی بزرگ مصر و تده قدرت نامشروع خود کرده است. تحکیم و توسعه حکومت ایران و مصر که تا حد «برادری» پیش نیز ناشی از سیاست ارتجاعی انورالسادات است که سیاست ارتجاعی حکومت ایران تطبیق میکند. حکومت مصر مورد نفرت تمام خلقهای عرب و های مترقی جهان است و این نفرت دیر با زود به وضع سیاسی در مصر منجر خواهد گردید.

سازمان «عفو بین المللی» اطلاع میدهد

بنا با اطلاع خبرگزاریهای روتر و فرانس پرس در ۱۵ سپتامبر: «ایران کشوری است که تعداد احکام اعدام آن در میان کشورهای جهان در بالاترین حد است. در این کشور شکنجه های غیر قابل تصور انجام میگردد و از سازمان قضائی مدنی مؤثر در این کشور اثری نیست.»

اعلام خطر سانتور کندی

کندی طی مقاله ای که در هفته تا و فورین آفرس، انتشار یافته مینویسد: سفا اسلحه از کشورهای منطقه خلیج فارس بو عربستان سعودی و ایران در دو سال اخیر بطور فله افزایش یافته و بمیزان ۴٫۶ میلیارد دلار در سال است که این رقم تقریباً برابر با نصف تمام تسلیحات است که ایالات متحده امریکا بطرح صادر میکند سانتور کندی این مطلب را خاطر نشان میکند مسابقه تسلیحاتی در خلیج فارس خطر آنرا در بر د که از چهار جوب تسلیحات معمولی خارج شود و تسلیحات هسته ای گردد. کندی شدت کوش است این امر چنین خطری در بر دارد که مت است ایالات متحده امریکا علیرغم تعاملات خود تصادمات جنگی در خاور نزدیک گشاده شود.